

چرا بعضی دل‌ها همیشه آرام‌اند؟

علیرضا وکیل‌ا شاید یکی از دغدغه‌های عمیق انسان امروز همین باشد که درمیان شلوغی زندگی، احساس می‌کند دیده نمی‌شود و فراموش شده است. اما قرآن از رابطه‌ای سخن می‌گوید که در آن، هیچ یاد صادقانه‌ای بی‌پاسخ نمی‌ماند. خداوند در سوره بقره با جمله‌ای کوتاه اما حیرت‌انگیز، حقیقتی بزرگ را با انسان درمیان می‌گذارد: «فَاذْكُرُونِي اذْكُرْكُمْ وَاشْكُرُوا لِي وَلَا تَكْفُرُون» مرا یاد کنید تا شما را یاد کنم و شکر مرا به جای آورید و کفران نورزید!»

خداوند، یک معادله شفاف و امیدبخش، پیش‌روی انسان می‌گذارد: «مرا یاد کنید تا شما را یاد کنم!» در تفسیر آمده است که یاد خدا فقط ذکر زبانی نیست، بلکه نوعی حضور قلب، جهت‌گیری درونی و فراموش نکردن خدا در تصمیم‌ها، ترس‌ها، شادی‌ها و انتخاب‌های زندگی است. علامه طباطبایی این یاد متقابل را نشانه رابطه ویژه میان بنده و خدا می‌داند؛ رابطه‌ای که نتیجه‌اش، آرامش، هدایت و گشایش در مسیر زندگی انسان است. بسیاری از ما گمان می‌کنیم یاد خدا فقط برای لحظات دعا و عبادت است، درحالی‌که قرآن، «شکرگزاری» را ادامه همین مسیر معرفی می‌کند. انسان شاکر فقط «الحمد لله» بر زبان ندارد، بلکه نعمت را درست می‌بیند، درست مصرف می‌کند و خود را طلبکار عالم نمی‌داند؛ شاید به همین دلیل است که انسان‌های شاکر، حتی در روزهای سخت، کمتر فرومی‌ریزند.

این دهان بستی، دهانی باز شد تا خورنده لقمه‌های راز شد

در حکایات اخلاقی آمده است که مؤمن هر شب پیش از خواب، نعمت‌های همان روز را مرور می‌کند؛ نه برای شمارش دارایی‌ها، بلکه برای فراموش نکردن حضور خدا در جزئی‌ترین لحظات زندگی. این همان «ذکر»ی است که انسان را از غفلت، نجات می‌دهد.

امروز زندگی بسیاری از ما پر از اتصال‌های لحظه‌ای به تلفن، اخبار و شبکه‌هاست، اما دلمان از مهم‌ترین اتصال عالم دور مانده است. قرآن کریم می‌گوید اگر می‌خواهی در شلوغی دنیا گم نشوی، رشته یاد خدا را قطع نکن. حتی چند لحظه مکث، یک ذکر کوتاه، یک شکر صادقانه یا دیدن نعمت‌هایی که عادی شده‌اند، می‌تواند حال دل انسان را تغییر دهد. چه زیباست اگر امشب، چند دقیقه‌ای تلفن همراه را کنار بگذاریم و فقط به نعمت‌هایی فکر کنیم که مدت‌هاست عادی شده‌اند؛ سلامتی، خانواده، امنیت، فرصت توبه و حتی نفس کشیدن. شاید همین یادآوری ساده، آغاز یک آرامش عمیق در دل ما باشد. انسان شاکر، آرام‌آرام یاد می‌گیرد که خودش را در این جهان تنها نبیند.

حکمت

خداوند در نگاه مولای متقیان

محمدجواد علیپور اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِیْ لَا تَبْلُغُ مِدْحَتَهُ الْقَائِلُونَ وَلَا یَحِیْی نَفْعَاءُ الْعَاثُونَ وَلَا یُؤْذِی حَقَّهُ الْمُتَجَبِّهُونَ الَّذِیْ لَا یَذِیْقُهُ نَعْدَ الْهَمِّ وَلَا تَبْنَاهُ غُوشُ الْفِطَنِ. امام علی^(ع)

ما را به حقیقتی اساسی رهنمون می‌شوند؛ مسیر شناخت خداوند، مسیر پیوسته و بی‌پایان رشد درونی است. وقتی می‌گویید اندیشه‌های بلند و ذهن‌های تیزبین به ذات او راه نمی‌یابند، مقصود این نیست که انسان از تلاش برای شناخت بازماند، بلکه تاکید می‌کنند که معرفت الهی، فرایندی تدریجی، قلبی و همراه با تواضع است. این شناخت نه در کشف ذات خدا،

بلکه در فهم نشانه‌های او در هستی و در جان انسان، شکل می‌گیرد. از همین‌روست که امام علی^(ع) در جای‌جای نهج البلاغه، انسان را به تدبیر در آفرینش، تفکر در نعمت‌ها و مشاهده حضور خدا در کوچک‌ترین و بزرگ‌ترین عناصر جهان، فرامی‌خوانند. ایشان می‌آموزند که راه معرفت، نه راه فلسفی صرف و نه تلاشی برای تعریف خداوند، بلکه راه دیدن آثار او در زندگی است؛ در عدالت، در نظم، در رحمت، در تغییر فصل‌ها، در گذر عمر و حتی در سختی‌ها.

معرفت در نگاه امام^(ع)، سفری از «من» به «او»ست؛ سفری که با درک محدودیت انسان آغاز می‌شود و با احساس عظمت خداوند جان می‌گیرد. این احساس، به انسان آرامش و جهت می‌دهد؛ زیرا می‌فهمد که در جهان تنها نیست و تکیه‌گاهی نامتناهی دارد.

وقتی امام علی^(ع) از ناتوانی عقل در احاطه کامل بر ذات الهی سخن می‌گوید، در واقع انسان را دعوت می‌کند به اینکه به اندازه ظرفیتش خدا را بشناسد؛ شناختی که با پرهیزکاری، شکر نعمت‌ها، انصاف با دیگران و پاکی نیت، ظاهر می‌شود. این نوع معرفت، انسان را نه متکبر، که متواضع می‌کند؛ نه غافل، که بیدار و نه مردد، که امیدوار.

در نهایت، این بخش از خطبه آغاز نهج البلاغه به ما یادآوری می‌کند که معرفت الهی، نه مقصدی ثابت، بلکه راهی دائمی است؛ راهی که هر قدم در آن، انسان را به فهمی عمیق‌تر، قلبی آرام‌تر و نگاهی روشن‌تر می‌رساند.

بردار و بخوان

الفارات؛ کتابی برای زخم‌های حکومت علوی

بیشتر ما حکومت امیرالمؤمنین علی^(ع) را با ۳ جنگ بزرگ جمل، صفین و نهروان می‌شناسیم، اما حقیقت آن است که تلخ‌ترین و پیچیده‌ترین روزهای حکومت حضرت، پس از این نبردها آغاز می‌شود. «ترجمه الفارات»، روایتی تکان دهنده از همین دوران است؛ دورانی که جامعه اسلامی گرفتار سستی، دنیاطلبی و بی‌مسئولیتی شده بود و معاویه با جنگ روانی، غارت، تطمیع و نفوذ، پایه‌های حکومت علوی را هدف قرار داده بود.

کتاب «الفارات»، نوشته ابراهیم بن محمد ثقفی، از کهن‌ترین و معتبرترین منابع شیعه درباره سال‌های پایانی حکومت امام علی^(ع) است؛ اثری که در ترجمه حاضر با مقدمه حجت‌الاسلام والمسلمین علیرضا پناهیان منتشر شده است و تصویری زنده و پرحادثه از دوسال و نیم پایانی عمر سیاسی حضرت ارائه می‌دهد.

در این کتاب، مخاطب فقط با تاریخ روبه‌رو نیست، بلکه با صحنه‌هایی از زنج یک حاکم الهی مواجه می‌شود که مردمش، دیگر فرمانش را جدی نمی‌گیرند. از شهادت مالک‌اشتر و غارت‌های سپاهیان معاویه، گرفته تا فرار برخی کارگزاران به شام و شورش خوارج، همه نشان می‌دهد که چگونه جامعه‌ای که به ظاهر درکنار امام بود، در بزنگاه مسئولیت از همراهی فاصله گرفت.

«الفارات» صرفاً یک روایت تاریخی نیست؛ کتابی است برای فهم درباره مردم و حاکمیت، ولایت‌پذیری، مسئولیت اجتماعی و آسیب‌های بی‌تفاوتی سیاسی و اجتماعی؛ شاید به همین دلیل است که شهید حاج قاسم سلیمانی مطالعه این اثر را برای فهم بهتر حکومت اسلامی، ضروری می‌دانست.

خواندن این کتاب برای علاقه‌مندان تاریخ اسلام و سیره امیرالمؤمنین^(ع)، فرصتی است برای بازخوانی فصلی کمترگفته‌شده اما بسیار سرنوشت‌ساز از تاریخ صدر اسلام؛ فصلی که هنوز هم می‌توان نشانه‌هایش را در زمانه خود دید.

شکر

شنبه ۲۲ دی‌ماه ۱۳۹۸ شماره ۲۲۲

۱۴



مهرآورد

راویان و منابع معتبر، نقلش کرده‌اند

افراد و منابعی که حدیث شریف کسا را نقل کرده‌اند، از شخصیت‌های بزرگ و چهره‌هایی هستند که در وثوق آن‌ها تردیدی نیست؛ کسانی همچون علامه حلی، شیخ طوسی، شیخ مفید و کتبی مثل ارشاد القلوب و احقاق الحق. محتوای این حدیث شریف در دیگر احادیث و روایات نیز نقل و تأیید و در حد تواتر از ائمه معصوم^(ع) نقل شده است. علاوه بر این، مضامین بلند حدیث، کاملاً بر آیات قرآن و احادیث معتبر، منطبق است و همین، صحت آن را بیش از پیش تأیید می‌کند.

باب نزول رحمت را می‌گشاید

برای حدیث کسا، آثار و برکات بسیاری بیان شده که بهترین مشوق برای انس دائمی با آن است؛ مثل نزول رحمت الهی، در پایان این حدیث، پیامبر اکرم^(ص) از برکات ذکر آن در محافل و مجالس خبر می‌دهند و می‌فرمایند: «... سوگند بدان خدایی که مرا به حق بی پیامبری برانگیخت و به رسالت و نجات دادن (خلق) برگزید، که ذکر نشود این خبر (و سرگذشت) ما در آنجمن و محفلی از محافل مردم زمین، که در آن گروهی از شیعیان و دوستان ما باشند جز آنکه بر ایشان رحمت الهی نازل شود». این وعده رسول خدا^(ص)، پرده از آثار شگفت‌انگیز این حدیث شریف برمی‌دارد.

یک تیر و صدها نشان

دومین اثر این حدیث که بازم شخص پیامبر^(ص) در متن به آن اشاره می‌کنند، رفع هم‌وغم از دل‌ها و رسیدن به خواسته‌ها و حاجات است؛ چنان‌که در فراز پایانی آن می‌خوانیم: «... وَفَیْهِمْ مَهْمُومٌ الْاَوْفَرُجُ اللهُ هَقَّةً وَلاَ مَغْشُومٌ الْاَوْكُشَفُ اللهُ غَمَّةً وَلاَ طَالِبٌ حَاجَةً اِلَّا وَقَضَى اللهُ حَاجَتَهُ» پیامبر^(ص) قسم می‌خورند «جایی‌که دوستان و شیعیان اهل بیت^(ع) باشند و این حدیث خوانده شود، اندوهناکی نیست مگر آنکه خدا اندوهش را برطرف کند، غمگینی نیست مگر آنکه خدا غمش را بگشاید و حاجت‌مندی حضور ندارد، جز آنکه خدا حاجتش را برآورده می‌کند.» گویی با یک تیر، صدها نشان زده می‌شود و راه‌های طولانی، میانبر می‌شود.

مروری بر فضایل و برکات حدیث کسا

کلید باب رحمت، نسخه رسیدن به اجابت



آئمه مستقیمی از جمله پناه‌های روایی و دعایی که به وقت بحران و سختی به آن رجوع می‌کنیم و متوسلش می‌شویم، حدیث شریف کسا است که اگر چه از گذشته جزو ریسمان‌های محکم مادر توسل به ساحت اهل بیت^(ع) بوده است، در جنگ تحمیلی سوم و پس از بمباران‌های شدید دشمن و توصیه‌های بزرگان به مداومت بر قرائت آن، بیش از هر زمان دیگر، عموم مردم به این حدیث متوسل شده‌اند و قرائت فردی و جمعی آن، کم‌کم به سنت متداول شب‌های حماسه‌خیزان، تبدیل شده است. در ادامه، اهمیت و آثار این میراث ارزشمند روایی را مرور می‌کنیم.



نسخه دفع بمباران دشمن

نقل است در دوران جنگ تحمیلی هشت ساله، آیت‌الله بهاء‌الدینی به شهر درود سفر کرد که به‌شدت توسط دشمن یعنی بمباران می‌شد؛ حاج آقا شوشتری، امام جمعه شهر، خدمت ایشان رسید و برای رهایی از این وضعیت، دستورالعملی خواست. آن عارف واصل گفت: مادرم حضرت زهرا^(ص) فرمودند: «به مردم بگویید حدیث کسا بخوانند». بعد از آن، مردم درود بر خواندن حدیث کسا مداومت کردند و شهر، دیگر بمباران نشد! امام جمعه می‌گفت: همان زمان‌ها خلبانی را گرفتند که در مصاحبه گفت: «یکی از مأموریت‌های ما شهر درود بود. از دور شهر را می‌دیدم، ولی وقتی به نقطه هدف می‌رسیدم، انگار دریا بود و بمب‌ها را جای دیگری خالی می‌کردم!».

زیربنای تربیت دینی موفق

حدیث کسا همچنین دارای آثار و جنبه‌های تربیت دینی فرد و جامعه است؛ زیربنای تربیت دینی موفق، پیوند عاطفی و محبت‌آمیز با الگوهای کامل است که در تشیع، معصومین^(ع) هستند، حدیث کسا، مصداق عینی ایه مودت «قُلْ لَا اَسْأَلُکُمْ عَلَیْهِ اَجْرًا اِنَّ الْوُدَّ فِی الْقُرْبٰی» است و خواندن آن، محبت پنجتن^(ع) را در قلب خواننده، ایجاد و تقویت می‌کند؛ محبتی که نیرومندترین عامل در الگوگیری از آن حضرات است. علاوه بر این، به ما می‌آموزد که دین‌داری، صرفاً فردی نیست، بلکه در جمع صالحان معنا می‌یابد. برکاتی مثل رفع غم، استنجابت دعا و مغفرت فرشتگان، در جمع شیعیان و محبان آل‌الله^(ع) رقم می‌خورد که ضرورت هم نشینی با مؤمنان و تشکیل جمع‌های معنوی را بیشتر آشکار می‌کند.

ضامن روزی حلال است

یکی از آثار مهم حدیث کسا، ایجاد و افزایش برکت در مکان است؛ یعنی قرائت آن، سبب افزایش روزی حلال، رونق کسب‌وکار و احساس رضایت و آرامش در محیط می‌شود. از رسول خدا^(ص) نقل است که فرمودند: «هر گروهی از مسلمانان، گردهم آیند و فضایل آل محمد^(ص) را نقل کنند، فرشتگان از آسمان‌ها فرود می‌آیند و به جمع آن‌ها می‌پیوندند. وقتی آن گروه متفرق می‌شوند و فرشتگان به آسمان‌ها بالا می‌روند، دیگر ملائکه از آن‌ها می‌پرسند، بوی خوشی از شما استشمام می‌کنیم که نظیر آن را تا کنون احساس نکرده‌ایم. آن‌ها در پاسخ می‌گویند: ما در مجلسی بودیم که اخبار آل محمد^(ص) در آن نقل می‌شد. آن ملائکه می‌گویند: ما را هم به آنجا ببرید تا از باقی مانده عمر آن مجلس، بهره ببریم.»

آبی است بر آتش اختلافات خانوادگی

علاوه بر روایات، بزرگان هم بر قرائت و مداومت بر حدیث کسا توصیه مؤکد کرده‌اند؛ مرحوم آیت‌الله العظمی بهجت^(ره) که توصیه‌ها و دستورالعمل‌های عرفانی‌اش مورد اقبال و راهگشای مؤمنان است، ارادت و توجه عجیبی به حدیث کسا داشت. ایشان بارها می‌گفت: «عجایب و غرایبی در حدیث کسا است؛ خدا می‌داند کسی که این حدیث را بخواند، چه چیزهایی را خواهد دید.» ایشان معتقد بود که ختم حدیث کسا برای شفای بیماران و رفع اختلافات خانوادگی، معجزه می‌کند. توصیه می‌کرد که اعضای خانواده دورهم جمع شوند و این حدیث را با صدق نیت قرائت کنند تا آتش فتنه‌ها خاموش و صمیمیت، جایگزین آن شود.

دقیق و کاربردی این سه خصلت این است: «انصاف در معاشرت، هم‌دردی و مشارکت در سختی‌ها، و روی آوردن و بازگشت به سوی دل‌های پاک و سالم.» (کشف‌الغمه، ج ۲، ص ۳۴۹)

در جامعه امروزی که پدیده «انزوا» و «تنهایی اجتماعی» رواج یافته است، این حدیث مانند نسخه‌ای شفابخش عمل می‌کند. انصاف یعنی رعایت حقوق دیگران حتی وقتی که می‌توان از ضعف آن‌ها سوءاستفاده کرد. در خانواده، محیط کار و شبکه‌های اجتماعی، انصاف یعنی قضاوت کردن براساس واقعیت، نه براساس شایعه یا احساسات لحظه‌ای. انصاف، پایه «اعتماد» است و بدون اعتماد، هیچ رابطه اجتماعی پایدار نخواهد ماند. وقتی فردی احساس کند که با او منصفانه رفتار شده است، گارد دفاعی خود را می‌بندد و قلبش گشوده می‌شود.

همدلی واقعی در روزهای خوشی، آسان است، اما ارزش انسان در روزهای سخت مشخص می‌شود. امام جواد^(ع) تاکید می‌کنند که محبت با «حضور در بحران» خریداری می‌شود. این یعنی در غم‌های دوستان، همدم بودن؛ در مشکلات مالی،

باری رساندن (هرچند اندک)؛ و در تنهایی، تسلی بخشیدن. این کار، پیوند عاطفی را از سطح به عمیق‌ترین لایه‌های روحی ارتقا می‌دهد. در ادامه امام فرموده‌اند که باید به‌سوی «قلب سالم» رجوع کرد. این یعنی در جامعه‌ای که آلودگی‌های اخلاقی زیاد است، ما باید کسانی را انتخاب کنیم که پاکی درون دارند و با آن‌ها ارتباط برقرار کنیم. این کار مانند تصفیه هوای شهر با کاشت درختان پاک‌کننده هواست. معاشرت با افراد سالم، باعث سرایت آرامش و اخلاق نیک به خود مان می‌شود و از ورود زنااله‌های روحی به زندگی مان جلوگیری می‌کند.

مسئولیت‌پذیری جمعی

یکی از عمیق‌ترین تحلیل‌های اجتماعی امام جواد^(ع) درباره ماهیت ظلم است. ایشان ظلم را یک فعل فردی نمی‌دانند، بلکه آن را زنجیره‌ای از مشارکت می‌شمارند: «العالم بالظلم، و الفعیق لهُ، و الرّاضی به شرّکاه» کسی که ظلم می‌کند، کسی که به او پاری می‌رساند و کسی که به ظلم رضایت دارد، همگی شرکای جرم هستند. «کشف‌الغمه، ج ۲، ص ۳۴۸» این حکمت علمی و اخلاقی، هشدار بزرگی است به جامعه‌ای که در آن، سکوت در برابر بدی،

هم‌پیمانی با بدی محسوب می‌شود. با این روایت، سقوط «توهم بی‌طرفی» حاصل می‌شود؛ زیرا بسیاری از افراد فکر می‌کنند اگر خودشان ظلم نکنند، کافی است. اما امام جواد^(ع) نشان می‌دهند که «رضایت» به ظلم، نوعی تأیید و تقویت‌کننده آن است. وقتی ما در برابر فساد، تبعیض یا بی‌عدالتی سکوت می‌کنیم، به ظالم می‌فهمانیم که جامعه، اجازه ادامه این مسیر را به او می‌دهد. این سکوت، نوعی «هم‌دستی منفعلانه» است. این حدیث، ساختار سلسله‌مراتب فساد را آشکار می‌کند. یک ظالم به تنهایی نمی‌تواند نظام فساد را حفظ کند؛ او نیاز به کسانی دارد که به او کمک کنند! کمک‌کننده مستقیم! آیا ما با خرید محصولات تولیدشده توسط کارگران استثمارشده یا با تأیید اخبار کذب در فضای مجازی، به زنجیره ظلم، اضافه می‌کنیم؟ جوادالائمه^(ع) به ما می‌آموزند که «مسئولیت‌پذیری» یعنی پذیرش تصویر در هر نقطه از زنجیره فساد که ممکن است در آن نقش داشته باشیم.

درنگ

